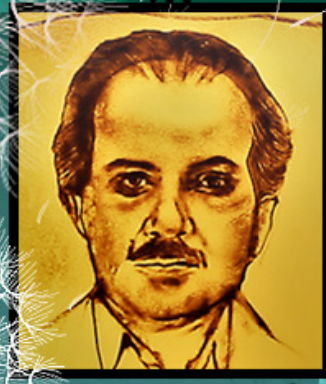


آیین‌های‌تار

فصلنامه فرهنگی-خبری
شماره ۵۰- پاییز ۱۳۹۸

معاونت فرهنگی و اجتماعی
مدیریت امور شاهد و ایثارگر





تلفن: ۲۲۴۳۱۸۸۳ نمابر: ۲۲۴۳۱۸۸۴

یلدا حکایت بلندترین شب سال نیست، یلدا پیشگویی آمدن بهار است. ظلمات استبداد دچار توهم پیروزی ست وقتی به لشکر برگهای درخت تنومند حقانیت یورش می برد اما در واقعیت او در بلندترین لحظه ی تدوام شکوهش در جریان شمارش معکوس نابودی قرار می گیرد. حیات می گیرد اما این مقدمه ی شکفتن جوانه های تازه نفس است، سربازان مقدر بهار. درخت حقانیت صبور است. پیکره اش هر چه زمستان دیده باشد هر چه ضربه خورده باشد با شکیبایی تنومند خود با وقار ایستاده و استوار، ریشه هایش خاک را، شاخه هایش آستان آسمان را فتح خواهند کرد. تاریکی عجول است و شیوه ی نور گشایشی ست تدریجی.

خون بریزید، قهقهه سر دهید نور در سکوت وقتی که در خواب خوش سرکشی هستید قدم به قدم نزدیکتان می شود، شما را در خود فرو می برد و خیال می کنید یلدا حکایت شمانست، یلدا تولد آفتاب است و مرگ تدریجی شما.

هنوز با هم دردم امید درماست
که آخری بود آخر شبان یلدا را

مختصره

اگه خالق جهان داستانها هستی، اگه با حس و
حالت به کلمه‌ها زندگی می‌دی. اگه زیبایی‌های
این دنیا را در قاب خاطره ثبت می‌کنی.
جای تو کنار ما خالیه!

Sbu.shahed@gmail.com



در این فصل...

- ۶ گیومه
استحاله
بلیط یک طرفه
این سبز سرخ کیست؟
و کلمه بود...
گوشت را آزاد کن
- ۱۲ صندوقچه
کیمیاگر
رDXون
لیلا
- ۱۸ قاب باز
فلسفه یلدا
جنگ و ادبیات
- ۲۵ وقایع اتفاقیه
متن اخبار
- ۳۵ شبیه باران
شهید محمود حسینی تکلو

گیومه

- ▲ استحاله
- ▲ بلیط یک طرفه
- ▲ این سبز سرخ کیست؟
- ▲ و کلمه بود...
- ▲ گوشت را آزاد کن

استحاله

حرف من همیشه ناتمام، حرف تو تمام قصه بود
فکر آن نگاه بیصدا، تار و پود قلب خسته را گسسته بود
گفتم این صدای خسته ات دگر رنگ و بوی آرزو نمی دهد
گفتی ارتفاع بودندت، روح ساده شکفتنت درد می کند
قاب چوبی دلت با هجوم غصه ها شکسته بود
صفحه سپید قلب تو به دست درد زخم خورده بود
صفحه حوادث زمانه باز، ناگهان چقدر زود دیر می شود!
عاشق نگاه تو با تولد دوباره باز پیر می شود
آه، ای دریغ و حسرت همیشگی ای مسافر غریب!
روزهای خوب استعاری ات می دهد مرا فریب
تو که از خودت گذشته ای دست خواهش مرا بگیر
دست عاشقی که با تو آشنا شده است، با تو در همین مسیر
عاشقی که سال ها در به در به هر طرف دویده است
غمزده، بی نشان و بی هدف به غیر تو رسیده است
فکر دیدن تو منتفی است، بغض کال من شکست
تیر شعرهای من به سنگ خورد، زندگی بدون تو بهانه است...

شهلا علیہ پور
(دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی)

بلیط یک طرفه

پروانه های بسیاری دیده‌ام
آویزان از درختی
در جنگل‌های دور
افتاده بر لبه پنجره
رها در جوب‌های خیابان
هر چه فکر می‌کنم اما
یک پروانه بیشتر
در خاطرم نیست
مگر چند بار به دنیا آمده‌ایم
که این همه می‌میریم؟
چند اسکناس مچاله
چند نخ شکسته سیگار
آه، بلیط یک طرفه!

چیزی
غمگین‌تر از تو
در جیب‌های دنیا پیدا نکرده‌ام
- ببخشید، این بلیط ...؟
- پس گرفته نمی‌شود
پس بادها رفته‌اند؟!
پس این درخت
به زرد ابد محکوم شد؟!
و قاصدک‌ها
آنقدر در کنج دیوار ماندند
که خبرهایشان از خاطر رفت؟!
- بیهوده مشقت به شیشه‌های این قطار می‌کوبی!
بیهوده صدايت را
به آن سوی پنجره پرتاب می‌کنی
ما
بازیگران یک فیلم صامتیم.

گروس عبدالملکیان

(مجموعه شعر «سطرها در تاریکی جا عوض می‌کنند.»)

این سبز سرخ کیست؟

این سبز سرخ کیست؟
این سبز سرخ چیست که می‌کارید؟
این زن که بود
که بانگ «خوانگریو» محلی را
از یاد برده بود
با گردنی بلندتر از حادثه
بالا تر از تمام زنان ایستاده بود
و با دلی وسیع تر از حوصله
در ازدحام و همه‌همه «کل» می‌زد؟
این مادر که بود که می‌خندید؟
وقتی که لحظه، لحظه رفتن بود
آن سبز، با سخاوت خورشید
بخشید هر چه داشت
جز آن لباس سبز
و نقش آن کلام الهی را
ره‌توشه شهید همین بس:
یک جامه، یک کلام
تصویری از امام
او را چنان که خواست
با آن لباس سبز بکارید
تا چون همیشه سبز بماند
تا چون همیشه سبز بخواند
او را
وقتی که کاشتند
هم سبز بود هم سرخ
آنگاه
آن یار بی قرار
آرام در حضور خدا آسود
هر چند سرخ سرخ به خاک افتاد
اما
این ابتدای سبزی او بود...

قیصر امین پور

(از مجموعه شعر «تنفس صبح»)

و کلمه بود و جهان در مسیر تکوین بود...

و کلمه بود و جهان در مسیر تکوین بود
و دوست داشتن آن کلمه نخستین بود
و عشق روشنی کائنات بود و هنوز
چراغ های کواکب، تمام پایین بود
خدا، امانت خود را به آدمی بخشید
که بار عشق، برای فرشته سنگین بود
و زندگانی و مرگ آمدند و گفته نشد
کزین دو، حادثه اولی، کدامین بود
اگر نبود، به جز پیش پا نمی دیدیم
همیشه عشق، همان دیده جهان بین بود
به عشق از غم و شادی، کسی نمی گیرد
که هر چه کرد، پسندیده و به آیین بود
اگر که عشق نمی بود، داستان حیات
چگونه قابل توجیه و شرح و تبیین بود؟
و آمدیم که عاشق شویم و در گذریم
که راز آمدن و مرگ آدمی، این بود

حسین منزوی

گوشت را آزاد کن

از بزرگان عصر، یکی با غلام خود گفت که از مال خود، پاره‌ای گوشت بستان و از آن طعامی بساز تا بخورم و تو را آزاد کنم. غلام شاد شد. بریانی ساخت و پیش او آورد. خواجه خورد و گوشت به غلام سپرد. دیگر روز گفت: بدان گوشت، آبگوشتی زعفرانی بساز تا بخورم و تو را آزاد کنم. غلام فرمان برد.

خواجه زهر مار کرد و گوشت به غلام سپرد. روز دیگر گوشت مضمحل بود و از کار افتاده، گفت: این گوشت بفروش و مقداری روغن بستان و از آن طعامی بساز تا بخورم و تو را آزاد کنم. گفت: ای خواجه، تو را به خدا بگذار من همچنان غلام تو باشم، اگر خیری در خاطر مبارک می‌گذرد، به نیت خدا این گوشت پاره را آزاد کن!

حکایتی از: عبید زاکانی

صندوقچه

▲ کیمیاگر

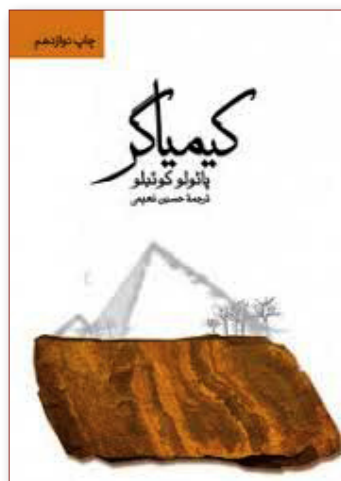
▲ ردخون

▲ لیلا

کیمیایگر

پائولو کوئلیو، کیمیایگر (۱۳۹۷)، ترجمه مرتضی سعیدی تبار، چاپ ۸، قزوین: آذر میدخت، صص ۷۶ و ۲۴

پائولو کوئلیو یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان قرن حاضر در ۲۴ اوت ۱۹۴۷ در ریودوژانیرو برزیل متولد شد. برخی او را کیمیایگر واژه‌ها می‌دانند. افکار، فلسفه و موضوعات مطرح شده در آثار او، بر ذهن خوانندگان بسیاری که در صدد یافتن راه خویش و روش‌های تازه‌ای برای درک جهان هستند، مؤثر بوده است. رمان «کیمیایگر» از رمان‌های پر فروش دهه پایانی قرن بیستم جهان به شمار می‌رود که در بیش از ۱۵۰ کشور دنیا منتشر و به بیش از ۵۲ زبان ترجمه شده است. کوئلیو این رمان را با اقتباس از داستانی در «هزار و یک شب» ترجمه خورخه لوئیس بورخس (قصه دو رؤیا بین) نوشته که شاید الهام بخش مولوی نیز بوده است.



«کیمیایگر» قصه چوپانی اسپانیایی به نام «سانتیاگو» است که در رؤیای خود محل گنجی مدفون در حوالی اهرام مصر را مشاهده می‌کند و برای دستیابی به افسانه شخصی خود سفری پر مخاطره را به صحرای آفریقا آغاز می‌کند و پس از طی فرسنگ‌ها و تحمل آلام بسیار گنج خود را در همان سرزمین خود می‌یابد.

قسمتی از کتاب:

«هر گاه چیزی را با تمام وجود بخواهی، به روح جهان نزدیک می‌شوی. روح جهان همواره نیروی مثبتی است... ما قسمتی از این روح هستیم که کمتر متوجه می‌شویم که این روح همواره به نفع ما عمل می‌کند... این ما هستیم که روح جهان را تغذیه می‌کنیم و زمینی که بر آن زندگی می‌کنیم بهتر یا بدتر خواهد شد.»

رد خون

ماجرای نیمروز (۲)، رد خون

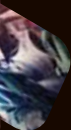


به نام افشین (محسن کیایی) که به عنوان تلفن و بیسیم چی معرفی می‌شود، با دیدن عکس همسرش سیما (بهنوش طباطبایی) در میان مجاهدین متوجه می‌شود که او به آن‌ها پیوسته است. از سوی دیگر سیما خواهر کمال (هادی حجازی‌فر) است. این دو سعی می‌کنند این موضوع را از صادق (جواد عزتی) که مأمور اطلاعاتی بسیار پیگیری است، پنهان کنند و خود آن را حل کنند.

این فیلم چهارمین تجربه «محمدحسین مهدویان» کارگردان جوان سینماست و همانند کارهای گذشته او یک اثر خوش‌فرم و خوش‌ساخت است، اما با ایرادات ریز و درشتی در روایت همراه است که باعث چندپارگی داستان و مدت زمان طولانی اثر گردیده است. نخستین ایراد بزرگ فیلم، خرده روایت‌های فراوانی

این فیلم دنباله فیلم سینمایی ماجرای نیمروز به کارگردانی محمدحسین مهدویان، تهیه‌کنندگی سید محمود رضوی و نویسندگی حسین تراب نژاد و ابراهیم امینی محصول سال ۱۳۹۷ است که در سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر رونمایی شد و با نامزدی در دوازده رشته این جشنواره، توانست سه سیمرغ بلورین به دست آورد.

روایت کلی این فیلم پیرامون اتفاقات بعد از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ و عملیات مرصاد است. نیروهای امنیتی ایران متوجه حضور نفوذی‌های سازمان مجاهدین خلق در جبهه می‌شوند. این سازمان در صدد است که با ارسال دو مأمور امنیتی به بغداد پیش از شروع عملیات «فروغ جاویدان»، «عباس زریباف» فر مانده این عملیات را ترور کنند، اما داستان‌طور دیگری رقم می‌خورد. در این بین شخصیتی جدید



مهدویان دوربین خود را کمی تلطیف کرده است. کهنگی تصاویر و نماهای مستندگونه که در موارد افراطی‌اش گاهی به نظر آرشویی می‌رسید کمی تلطیف شده‌اند و دوربین نیز آرام و قرار گرفته است و این دور شدن از فضای سینمای گزارشی مهم‌ترین تفاوت کارگردانی رد خون نسبت به آثار پیشین مهدویان است.

یکی از ایرادات اساسی فیلم که در «ماجرای نیمروز» قبلی مشاهده نمی‌شد، اغراق در برخی از سکانس‌هاست. یکی از تلخ‌ترین سکانس‌های فیلم جایی است که مجاهدین مردم و زنان و کودکان بی‌گناه بیمارستان اسلام آباد را به گلوله می‌بندند. پیش از این سکانس در یک نما مجاهدین در حال نماز خواندن زیر سر و صدای شلیک و آتش و جنایت‌های خودشان به تصویر کشیده می‌شوند که قرار است خوانش غلط آن‌ها از اسلام را تداعی کند، اما در اجرا به شدت شعاری است. یادری یکی دیگر از سکانس‌ها که دوربین به داخل قرارگاه اشرف رفته و جلسات اعتراف مجاهدین را می‌گیرد، آن‌ها به قدری احمق به تصویر کشیده می‌شوند که نتیجه کمی کاریکاتوری است. «رد خون» شاید بنا به دلایل ذکر شده فیلم شاهکاری نباشد و برخی ایرادات آن را از رسیدن به سطح یک اثر فوق‌العاده بازدارد، اما قطعاً جزو دیدنی‌ترین فیلم‌های جنگی و البته سیاسی یک دهه اخیر سینمای ایران است.

است که در طول قصه شکل می‌گیرد اما به خوبی پرورش نمی‌یابد و یا به خنثی‌ترین شکل ممکن به سرانجام می‌رسند. داستان فیلم هفت سال پس از اتفاقات فیلم نخست می‌گذرد و چند تن از شخصیت‌های قسمت قبل شهید شده‌اند، اما چرایی و چگونگی شهادت آنها برای تماشاگر مشخص نیست و تنها با نشان دادن عکس در بخشی از لحظات فیلم، مخاطب متوجه شهادت آنها می‌شود. بحث دیگر به رویدادننگاری کار بازمی‌گردد که چون موضوع به اتفاقات معاصر باز می‌گردد، ممکن است شاهدان عینی نسبت به برخی درام‌پردازی‌ها یا تحریفات، عکس‌العمل نشان دهند، اما در «رد خون» علیرغم برخی اغراق‌ها شاهد تحریف یا دروغ‌پردازی نیستیم. از دیگر نکات مثبت فیلم، شخصیت‌پردازی کاراکترهای منفی است؛ زیرا در کمتر فیلمی این‌گونه به مسائل داخلی سازمان مجاهدین خلق (منافقان) و سرگشتگی عده‌ای جوان که دستخوش بازی این گروهک شده‌اند، توجه شده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که فیلم از منظر فنی یکی از شایسته‌ترین آثار سینمای ایران محسوب می‌شود که توانسته طراحی صحنه میدانی خوبی داشته باشد. نکته قابل تأمل دیگر تعادل دوربین مهدویان نسبت به آثار پیشین است. در «ماجرای نیمروز» و «ایستاده در غبار» دوربین کاملاً مستندگونه‌ای که حتی گاهی از پشت شیشه و به صورت پنهانی به مسائل نگاه می‌کرد، تبدیل به یکی از موتیف‌های مهم بصری فیلم‌هایش شده بود که در فضاسازی حال و هوای جنگ و نیز القاء نوعی سند تاریخی به سبب کهنگی تصاویر مؤثر بود، اما در «رد خون»

لیلا



این نامہ رو لیلا فقط بخونہ
 فقط می خوام کہ حالم رو بدونہ
 کلاغ ها اطراف من رو گرفتن
 از دور مزرعہ هنوز نرفتن
 لیلا دارن نقل و نبات می پاشن
 تا عشق و خون دو بارہ ہم صداشن
 لیلا چقدر دلم برات تنگ شدہ
 نیستی ببینی کہ سرت جنگ شدہ
 نیستی ولی ہمیشہ ہم صدایی
 لیلای من دریای من کجایی
 این نامہ رو تنها باید بخونی
 ببخش آگہ پارہ و غرق خونہ
 این نامہ آخرمہ عزیزم
 تولد دخترمہ عزیزم
 براش یہ ہدیہ کوچیک خریدم
 دلم می خواست الان اونو می دیدم
 لیلا بہ دخترم بگو کہ باباش
 رفتش کہ اون راحت بخوابہ چشماش
 رفتش کہ اون یہ وقت دلش نلرزہ
 نپرہ از خواب خوشش یہ لحظہ
 لیلا لیلا
 آگہ یہ روز این نامہ رو بخونی
 دلم می خواد از تہ دل بدونی
 الان دیگہ بہ آرزوم رسیدم
 باور نمی کنی خدا رو دیدم

ترانه: یاحا کاشانی / خواننده و آهنگساز: مازیار فلاحی / تنظیم: امیر توسلی

او را وادار کند که با ذهنیت سازندگان آن همراهی نماید ولی در شنیدارهای بعدی ترانه اهمیت بیشتری پیدا می کند.

به عبارتی اگرچه متن ترانه کوشش کرده است با استفاده از ارتباط غیر مستقیم مخاطب را متوجه جنگ و جدایی کند اما قرار دادن افکتهای جنگ و به ویژه مکالمه رزمنده ها در اول قطعه از شدت لذت اکتشاف معنی اثر هنری کاسته است که در بیشتر آثار ارزشی این مسأله تکرار می شود، گویی صاحبان اثر به دلیل واهمه از عدم درک هدفشان به دنبال القای مفاهیم از طریقی مستقیم و مطمئن هستند.

اگرچه این نامه را «لیلا» فقط باید بخواند اما در واقع این قطعه نامه ای سرگشاده است. به سخنی دیگر انحصار لیلا به عنوان مخاطب، بسانی اعلائی همگانی در آغاز توجه مخاطب عام اثر را بیش از پیش به خود جلب می کند: «رازهای مگوی راوی عاشق ما به لیلائی زندگی اش چیست؟» بدین ترتیب شنونده با نخستین جمله آماده می شود که بر روی جملات بعدی بیشتر تمرکز کند.

از نکات مثبت این قطعه می توان به لحن و صدای مازیار فلاحی در مقام خواننده اشاره کرد که به خوبی توانسته است حزن لازم برای هم ذات پنداری با ترانه را به شنونده منتقل کند و در خطاب قرار دادن لیلا نیز او را با خود همراه سازد.

نگین علینقیان

«لیلا» نامه جدایی و وداعی عاشقانه است، آخرین های راوی برای لیلائی زندگی اش. اما جدایی در این ترانه از نوع فراق های معمول عاشقانه نیست. اگر ترانه بدون در نظر گرفتن موسیقی فقط به عنوان متن خوانده شود، نیاز به دقت بیشتری برای دریافت عامل هجران دارد اما نشانه هایی در متن به مخاطب می فهماند که موضوع اصلی نه یک جدایی ساده بلکه تقابل جنگ و عشق است، قصه عاشقی که برای حفاظت از عشق و نه فقط معشوق، فراق را می پذیرد و تن به جدایی ابدی می دهد.

«لیلا» نامه جدایی و وداعی عاشقانه است، آخرین های راوی برای لیلائی زندگی اش. اما جدایی در این ترانه از نوع فراق های معمول عاشقانه نیست.

اگر به «لیلا» به عنوان اثری در زمینه موسیقی بازگردیم، گنجاندن نمایشنامه و افکت صوتی در قطعه، ترانه را به اثری روایی نزدیک کرده است و برای شنونده ابتدا صحنه ای از یک داستان را ترسیم می کند. البته باید گفت که این ترفند در نخستین مواجهه مخاطب با اثر ممکن است غافلگیری ویژه ای داشته باشد و

قاب باز

فلسفه یلدا
جنگ و ادبیات



فلسفه یلدا

شب یلدا یا شب چله یکی از کهن‌ترین جشن‌های ایرانی است در این جشن، طی شدن بلندترین شب سال و به دنبال آن بلندتر شدن طول روزها در نیم‌کره ی شمالی، که مصادف با انقلاب زمستانی است، گرمی داشته می‌شود. نام دیگر این شب «چله» است، زیرا برگزاری این جشن، یک آیین ایرانی است. یلدا به زمان بین غروب آفتاب از ۳۰ آذر (آخرین روز پاییز) تا طلوع آفتاب در اول ماه دی (نخستین روز زمستان) گفته می‌شود. خانواده‌های ایرانی در شب یلدا، معمولاً شامی فاخر و همچنین انواع میوه‌ها و رایج‌تر از همه هندوانه و انار را مهیا و دور هم سرو می‌کنند. پس از سرو تنقلات، شاهنامه‌خوانی، قصه‌گویی بزرگان خانواده برای دیگر اعضای فامیل و همچنین فال‌گیری با دیوان حافظ رایج است. «یلدا» برگرفته از واژه ی سریانی **ܝܠܕܐ** به معنای زایش است و شب چله هم که مترادف شب یلداست از آن روست که چهل روز اول زمستان را «چله بزرگ» و بیست روز بعد از آن را «چله کوچک» نامیده‌اند. ابوریحان بیرونی از این جشن با نام «میلاد اکبر» نام برده و منظور از آن را «میلاد خورشید» دانسته‌است. در آثار الباقیه بیرونی، از روز اول دی ماه، با عنوان «خور» نیز یاد شده‌است. در قانون مسعودی نسخه ی موزه بریتانیا در لندن، «خره روز» ثبت شده، اگرچه در برخی منابع دیگر «خرم روز» نامیده شده‌است. چله، دو موقعیت گاه‌شمار در طول یک سال خورشیدی با کارکردهای فرهنگ عمیق، یکی در آغاز تابستان (تیرماه) و دیگری در آغاز زمستان (دی‌ماه)، هر یک متشکل از دو بخش بزرگ (چهل روز) و کوچک (بیست روز) است. واژه ی چله برگرفته از چهل و مخفف «چله‌ه» و صرفاً نشان‌دهنده ی گذشت یک دوره ی زمانی معین (و نه الزاماً چهل روزه) است.

پیشینه

«شب یلدا» که به عنوان یکی از شب‌های مقدس در ایران باستان مطرح بوده به صورت رسمی در تقویم ایرانیان باستان از سال ۵۰۲ قبل از میلاد در زمان داریوش یکم به تقویم رسمی ایرانیان باستان راه یافت. چله و جشن‌هایی که در این شب برگزار می‌شود، یک سنت باستانی است. مردم روزگاران دور و گذشته، که کشاورزی، بنیان زندگی آنان را تشکیل می‌داد و در طول سال با سپری شدن فصل‌ها و تضادهای طبیعی خوی داشتند، بر اثر تجربه و گذشت زمان توانستند کارها و فعالیت‌های خود را با گردش خورشید و تغییر فصول و بلندی و کوتاهی روز و شب و جهت و حرکت و قرار ستارگان تنظیم کنند.

آنان ملاحظه می‌کردند که در بعضی ایام و فصول روزها بسیار بلند می‌شود و در نتیجه در آن روزها، از روشنی و نور خورشید بیشتر می‌توانستند استفاده کنند. این اعتقاد پدید آمد که نور و روشنایی و تابش خورشید نماد نیک و موافق بوده و با تاریکی و ظلمت شب در نبرد و کشمکشند. مردم دوران باستان و از جمله اقوام آریایی، از هند و ایرانی - هند و اروپایی، دریافتند که کوتاه‌ترین روزها، آخرین روز پاییز و شب اول زمستان است و بلافاصله پس از آن روزها به تدریج بلندتر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شوند، از همین رو آن را شب زایش خورشید (مهر) نامیده و آن را آغاز سال قرار دادند کریسمس مسیحیان نیز ریشه در همین اعتقاد دارد. در دوران کهن فرهنگ اوستایی، سال با فصل سرد شروع می‌شد و در اوستا، واژه «سَرِدَ» (Sareda) یا «سَرِدَ» (Saredha) که مفهوم «سال» را افاده می‌کند، خود به معنای «سرد»

است و این به معنی بشارت پیروزی اورمزد بر اهریمن و روشنی بر تاریکی است.

یلدا، شب اول زمستان و شب آخر پاییز است که اول جدی و آخر قوس باشد و آن درازترین شب‌هاست در تمام سال و در آن شب یا نزدیک به آن شب، آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند و گویند آن شب به‌غایت شوم و نامبارک می‌باشد و بعضی گفته‌اند شب یلدا یازدهم جدی است.

تاریکی نماینده اهریمن بود و چون در طولانی‌ترین شب سال، تاریکی اهریمنی بیشتر می‌پاید، این شب برای ایرانیان نحس بود و چون فرا می‌رسید، آتش می‌افروختند تا تاریکی و عاملان اهریمنی و شیطانی نابود شده و بگریزند، مردم گرد هم جمع شده و شب را با خوردن، نوشیدن، شادی و پایکوبی و گفتگو به سر می‌آوردند و خوانی ویژه می‌گسترند، هرآنچه میوه تازه فصل که نگاهداری شده بود و میوه‌های خشک در سفره می‌نهادند. سفره شب یلدا، «می‌زد» Myazd نام داشت و شامل میوه‌های تر و خشک، نیز آجیل یا به اصطلاح زرتشتیان، «لرک» Lork که از لوازم این جشن و ولیمه بود، به افتخار و ویژگی «اورمزد» و «مهر» یا خورشید برگزار می‌شد. در آیین‌های ایران باستان برای هر مراسم جشن و سرور آیینی، خوانی می‌گسترند که بر آن افزون بر آلات و ادوات نیایش، مانند آتشدان، عطران، بخوردان، برسم و غیره، برآورده‌ها و فرآورده‌های خوردنی فصل و خوراک‌های گوناگون، خوراک مقدس مانند «می‌زد» نیز نهاده می‌شد.

شب یلدا را شب میلاد خدای خورشید، عدالت، پیمان و جنگ هم می‌دانند. درباره ی آن دو روایت عمده رایج است. اول آنکه در این شب

محققان معتقدند که مسیحیت غربی چارچوب اصلی خود را که به این دین پایداری و شکل بخشیده به مذاهب پیش از مسیحیت روم باستان از جمله میترایسیسم مدیون است و برای نمونه تقویم کلیساهای، بسیاری از بقایای مراسم و جشن‌های پیش از مسیحیت بخصوص کریسمس را در خود

شب یلدا شب تولد مهر است و این بازمانده از آداب مهری است که در شرق مدیترانه به طوسیایی رایج بوده و آثارش از جمله در معابد مهری باقی مانده در پالمیرا در اردن فعلی دیده می‌شود.

نگاه داشته‌است و کریسمس به عنوان آمیزه‌ای از جشن‌های ساتورنalia و زایش میترا در روم باستان در زمان قرن چهارم میلادی با رسمی شدن آیین مسیحیت و به فرمان کنستانتین

مهر، میترا یا آن‌چنان که در اوستا و نوشته‌های پادشاهان هخامنشی آمده، میتره (Mithra) به جهان بازمی‌گردد. او که از ایزدان باستانی هند و ایرانی است ساعات روز را طولانی کرده و در نتیجه برتری خورشید پدیدار می‌شود.

آئین مهر پرستشی یا آئین مهر بر پایه پرستش میترا در دوران پیش از آئین زرتشت شکل گرفته‌است و در اروپا به آئین میترایسیسم هم گفته می‌شود.

بعضی پژوهشگران هم بر این باورند که در شب یلدا، پیامبری زاده می‌شود: «در سال ۵۱ پادشاهی اشکانیان که مصادف است با سال ۱۹۶ میلادی، پیامبری در شب یلدا زاده می‌شود. او را دو دولفین از آب بیرون می‌آورند، چه آنکه براساس آئین مهر، آب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌است.»

در هردو روایت، شب یلدا شب تولد مهر است و این بازمانده از آداب مهری است که در شرق مدیترانه به‌طور وسیعی رایج بوده و آثارش از جمله در معابد مهری باقی مانده در پالمیرا در اردن فعلی دیده می‌شود.

شباهت یلدا با جشن‌های دیگر اقوام

جشن انقلاب زمستانی در بین دیگر اقوام باستان نیز رایج بوده‌است. در روم باستان و هم‌زمان با ترویج مسیحیت، پرستش سول اینویکتوس (خورشید شکست ناپذیر) ایزد پاگان رومی بسیار شایع بود و رومیان میلاد او را در زمان انقلاب زمستانی جشن می‌گرفتند. سول اینویکتوس در آیین میترایسیسم رومی نیز نقشی ویژه داشت و حتی میتراس (معادل یونانی میترا ایزد باستان ایرانی) لقب خورشید شکست ناپذیر را داشت.

درست نظیر همان سنتی که ایرانیان باستان در شب یلدا برگزار می‌کردند. کریسمس و یلدا تنها نمونه‌ای از بسیاری از باورها، آداب و رسوم، نمادها، داستان‌ها و افسانه‌های مشترکی هستند که مردم ملل مختلف و مذاهب مختلف را به هم پیوند می‌زنند.

منابع:

- قاسملو، فرید (۱۳۹۲). «چله»، دانشنامه جهان اسلام، ۲۰/۱۳/۱۲.
- رضی، هاشم (۱۳۹۲)، گاهشماری و جشن‌های ایران باستان، تهران: بهجت، صص ۵۵۴، ۵۵۹، ۵۶۰.
- طبیب زاده، محمود (۱۳۸۴)، یلدا، حافظ: تهران، ص ۹.
- مرادی غیاث آبادی، رضا (۱۳۸۷)، راهنمای زمان جشن‌ها و گردهمایی‌های ملی ایران باستان، تهران: نوید شیراز، ص ۵۵۴.
- آیین‌های ایرانی در شب تولد/ mardomsalari.ir/report/99438 - خورشید
- Encyclopedia Iranica. (1990). OmidSalar.Mahmoud.. 2014/4/2 دانشگاه کلمبیا، نیویورک
- آیین‌های یلدا یا شب چله و /http://parssea.org/?p=5214- ارتباط آن با کریسمس
- Luther H. "Martin. Mithras". Journal of Biblical Literature, Vol. 106
- religion: History The survival of Roman religion. In Encyclopædia Britannica. Retrieved December 12, 2008, from Encyclopædia Britannica Online
- Roger Beck, "Mithraism," Encyclopædia Iranica, online edition, 2013, available at http://www.iranicaonline.org/articles/mithraism (accessed on 19 December 2013)
- www.fa.wikipedia.org

به عنوان زادروز رسمی مسیح در نظر گرفته شد. هنگام توسعه ی آیین‌های رازوری در اروپا و سرزمین‌های تحت فرمانروایی امپراتوری روم و پیش از پذیرفتن آیین مسیحیت،

رومیان هر ساله در روز ۱۷ دسامبر در جشنی به نام ساتورنالی‌ا به سیاره کیوان (ساتورن)، ایزد باستانی زراعت، احترام می‌نهادند. این جشن تا هفت روز ادامه می‌یافت و انقلاب زمستانی را شامل می‌شد. از آنجا که رومیان از گاهشماری یولیانی در محاسبات خود استفاده می‌کردند روز انقلاب زمستانی به جای ۲۱ یا ۲۲ دسامبر حدوداً در ۲۵ دسامبر واقع می‌شد.

فرانتیس کومسون، باستان‌شناس بلژیکی و بنیان‌گذار میتراپژوهی مدرن و دیگر میتراپژوهان همفکر او مفاهیم آیین میترایسم روم را کاملاً برگرفته از آیین مزدیسنا و ایزد ایرانی میترا (مهر) می‌دانند اما این ایده از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد به شدت مورد نقد و بازبینی قرار گرفته‌است و اکنون به یکی از مسائل بسیار مجادله‌برانگیز در زمینه پژوهش ادیان در دنیای روم و یونان باستان تبدیل شده‌است. جشن تولد میترا تنها آئینی نیست که به مسیحیت راه پیدا کرده‌است. میان سنت‌های مسیحیان و آیین میترایسم شباهت‌های زیادی وجود دارد. امروزه تمام مسیحیانی که تولد عیسی مسیح را جشن می‌گیرند هنوز هم در روز جشن شومینه و شمع‌هایشان را روشن نگاه می‌دارند، درخت کریسمس را با چراغ‌های کوچک نورانی تزئین می‌کنند، شب زنده داری می‌کنند و غذاهای مخصوص و ویژه می‌خورند؛ به دید و بازدید یکدیگر می‌روند و این مناسبت را در کنار دوستان و اقوامشان جشن می‌گیرند؛

جنگ و ادبیات

قسمت سوم [پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگ‌ایشار و شهادت]

قصه‌نویسی پس از شکست ۱۹۶۷ اعراب از

اسرائیل

بی تردید انقلاب ۱۹۵۲ مصر توسط افسران میهن‌پرست مصری به رهبری ژنرال نجیب و سرهنگ جمال عبدالناصر، مهم‌ترین رخداد سیاسی در جهان عرب است. این حادثه‌ی بزرگ در همه‌ی شوؤن کشورهای عربی اثر گذاشت. «ادبیات عرب» پس از این زمان ادبیات رئالیستی و اجتماعی است. در این ادبیات که «قصه» در آن دوشادوش «شعر» در حرکت است، زندگی مردم عادی مانند کشاورزان، پیشه‌وران، کارگران و صنعت‌گران، موضوع اساسی را تشکیل می‌دهد و عواطف و احساسات این گروه‌های اجتماعی همواره مدنظر اهل قلم است. شکست اعراب از اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷، آخرین و غافل‌ترین روشنفکران عرب را از خواب هزار و چند صد ساله بیدار کرد. این شکست که با نقشه‌ی قبلی و هماهنگی با اسرائیل از سوی امپریالیسم غرب طراحی شده بود، به روشنفکران غرب زده‌ی عرب ثابت کرد که غرب منافع خودش را بر همه چیز ترجیح می‌دهد و نظر متفکرانی چون رفاعة طهطاوی چندان درست نیست. طهطاوی می‌پنداشت با غربی شدن و تغییر دادن همه‌ی شوؤن زندگی اعراب می‌توان آن‌ها را با اروپاییان هماهنگ کرد. در هر حال این شکست که به قول نزار قبانی شاعر توانای عرب رسوایی بزرگ عرب بود، به گمان من پیروزی عرب بود، زیرا اعراب دانستند که چشم‌امیدشان باید تنها به خود و خدایشان باشد. آنان دانستند که غرب صددرصد پشتیبان رژیم نژاد پرست اسرائیل است و زندان‌های هولناک، شکنجه‌های قرون وسطایی و کشتار گروهی

روستاییان و غصب سرزمین‌های مردم فلسطین را تأیید می‌کند.

این شکست چنان برای اعراب مهم بود که دریافتند مسأله و عمق فاجعه چنان زیاد است که تنها به فلسطین محدود نمی‌شود بلکه شمار صهیونیسم که سرزمین سلطنت اسرائیل را «از نیل تا فرات» می‌داند، شوخی نیست زیرا رسانه‌های غربی پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ تنها هفت دهم درصد به نفع اعراب و مابقی به سود اسرائیل و آمریکا بود و اعراب را تجاوزگر جلوه می‌داد. اسرائیل بعدها با آسودگی خیال به تجاوز خود به سرزمین‌های عربی ادامه داد و قربانگاه دوم اسرائیل در جنوب لبنان افتتاح شد و از ۱۹۷۵ به بعد این تراژدی هولناک هم چنان ادامه دارد. بدین ترتیب قصه‌نویسان عرب را در این برهه یأس و ننگ و اندوه فرا گرفت. اگر چه این دوره، خود، طلیعه‌ی حقیقی آنان بود.

داستان‌نویسی در فلسطین

تردیدی نیست که حوادث سال ۱۹۶۷ چون زلزله‌ای بود که چشم‌ها را به واقعیتی جدید باز کرد و آن طمع صهیونیسم به تمامی سرزمین‌های عربی بود که به دنبال آن ماهیت سازمان‌های خبری غرب که اکثرادر دست روزنامه‌نگاران و خبرنگاران صهیونیستی است برای اعراب فاش شد و آنان دانستند که در صحنه تنها هستند. از این رو «رزمندگان فلسطینی» و طرفداران آنان همزمان با مبارزه‌ی مسلحانه، «مبارزه فرهنگی» را آغاز کردند. رژیم اشغالگر اسرائیل که «جنگ فرهنگی» اعراب را درک کرده بود، لبه‌ی تیز تیغ شکنجه و کشتار را متوجه شعرا و نویسندگان فلسطین کرد. آنان را از مدرسه‌ها راند و

خالد الجبور نویسنده‌ی «به دست آوردن یک گرده نان کامل»، زکی درویش نویسنده‌ی «الکلاب» (سگ‌ها)، حنا ابراهیم نویسنده‌ی «بوی خوش وطن» غسان کنفانی نویسنده‌ی آثار «ام سـ... عـد» و «عائد الی حیفا» و ... در مجموع باید گفت به جهت حضور سانسور هولناک صهیونیسم بر سرزمین‌های اشغالی، گاهی نویسندگان چنان به «فضاهای مه آلود سمبولیسم» پناه می‌برند که میان تم و صورت تناقض‌های عجیبی پیدا می‌شود، اما جنبش انتقادی این نویسندگان است که سایر اعراب را در نوشته‌هایشان یاری می‌دهد و به صورت الگوهای برای مبارزه‌ی آنان با حکومت‌های ارتجاعی، در می‌آورد.» به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که برخی از آثار داستانی عرب- به ویژه فلسطین- از پیامدهای جنگ جهانی اول بر اعراب سرزمین شام به طور اعم و فلسطین به طور اخص و همچنین جنگ اعراب و اسرائیل و مسأله‌ی اشغال فلسطین توسط اسرائیل سخن می‌گویند و نویسندگان عرب سعی می‌کنند دغدغه‌های عرب فلسطینی را در قبال طرح‌های استعماری و صهیونیستی که قصد تصرف میهن او را دارند، در آثار داستانی‌شان منعکس کنند و به نوعی «بینش ملی بیدارگرایانه‌ای» را به آثار ادبی خود ببخشند.

منبع:

انوشه/حسن/دانشنامه ادب فارسی/ج ۲/ص ۴۸
نجفی/رضا/جنگ و ادبیات آلمان/۱۳۷۳/ماهنامه ادبیات داستانی /
ش ۲۴/ص ۱۳۲ و ۱۴۲
موریس/ایوان/۱۳۷۶/داستان کوتاه در ادبیات ژاپن/ترجمه محمد
شهبا/فصلنامه ادبیات داستانی/ش ۴۴/ص ۹۴ و ۹۸

مانع ادامه تحصیل و تدریس فلسطینیان شد. با این حال آنان لحظه‌ای از مبارزه دست نکشیدند و نوشتند و نوشتند و قلم را به مسلسل‌پرتوان تر از هر سلاحی بدل کردند. نخستین عکس‌العمل فلسطینیان در برابر فشارهای اسرائیل بر نوار غربی فلسطین، در مجموعه‌ی داستان «مقهی الباشوره» (قهوه خانه باشوره) اثر خلیل السواحری دیده می‌شود. در این مجموعه قهرمان یکی از قصه‌ها به نامه عطابوجلده، که کارگر ساده‌ای است، پس از اشغال بیت المقدس، به آن جا می‌رود و برای نخستین بار خودش را در قدس شریف، غریب احساس می‌کند. این درک و احساس سنگین غربت و استیصال چنان دردناک است که خواننده بی اختیار از سر اندوه و غیظ اشک می‌ریزد. همچنین جمال بنوره در «حکایه جدی» و «الشیء المفقود»، شکنجه‌ها و رفتار وحشیانه‌ی صهیونیست‌ها را با دانش آموزان و زنان بی دفاع به تصویر می‌کشد. در حقیقت تم اساسی بیشتر قصه‌های فلسطینی را بعد از اشغال اسرائیل، مسأله‌ی اشغال و غصب سرزمین فلسطین و مقاومت تشکیل می‌دهد. شخصیت‌هایی که در این قصه‌ها ارایه می‌شوند اکثراً به سوی «رنالیسم انتقادی» در حرکت‌اند. اینان جنبه‌ی انفعالی را رها کرده و به صورت شخصیت‌هایی عمل‌کننده درآمده‌اند که به پیروزی خود و شکست دشمن، ایمان کامل دارند. سبک بی‌ا نویسندگان ساده و به زبان مردم فرودست و مستضعف نزدیک است، اما بسیاری از نویسندگان از رمز و استعاره نیز سود می‌جویند تا گرفتار ضربه‌ی ساطور سانسور نشوند. برخی از مشهورترین نویسندگان فلسطین عبارتند از:

وقایع اتفاقیه

- ▲ تشکیل جلسه ستاد شاهد و ایثارگر
- ▲ برپایی نمایشگاه هفته دفاع مقدس و رونمایی از پورتال حدیث جنگ
- ▲ مراسم عصر شعر به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس
- ▲ مسابقه کتابخوانی: کتاب ارمیا (به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس)؛ کتاب روز خدا به مناسبت ۱۳ آبان (تسخیر لانه جاسوسی)
- ▲ گزارش بازدید از موزه صلح
- ▲ گزارش اردوی مشهد مقدس دانشجویان شاهد و ایثارگر - آبان ۹۸
- ▲ پاسداشت نهمین سالگرد شهادت شهید دکتر شهر یاری و یادواره شهدای هسته ای
- ▲ تشکیل کلاس های تقویت بنیه علمی
- ▲ نشست اساتید مشاور شاهد و ایثارگر با دانشجویان کارشناسی ورودی ۹۸

تشکیل جلسه ستاد شاهد و ایثارگر

در پاییز ۱۳۹۸، جلسه شماره ۳۱۳ ستاد دانشجویان شاهد و ایثارگر برگزار شد. در این جلسه که با حضور رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران تهران بزرگ و منطقه یک همراه بود ۳۷ پرونده مورد بررسی قرار گرفت و در خصوص پرونده های ۲۳ دانشجوی مقطع کارشناسی، ۸ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد و ۶ دانشجوی مقطع دکتری تصمیم گیری شد.



و دانشجویان دانشگاه برگزار گردید. در این مراسم که با اجرای گروه «ندای حق» نیروی انتظامی همراه بود، از «تمایشگاه هفته دفاع مقدس» و پورتال «حدیث جنگ» رونمایی شد. دکتر واعظی معاون فرهنگی و اجتماعی ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدا، هدف این نمایشگاه را حفظ ارزشهای انقلاب و خون شهیدان دانست. همچنین سرپرست دانشگاه در طی سخنانی با یادآوری وقایع دوران انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی یاد و خاطره شهدا را گرامی داشت و از رزمندگان و جانبازان دفاع مقدس قدردانی کرد. ایشان در نهایت در سخنان خود تأکید کرد: ما عهد می بندیم تا آخرین قطره خون از اسلام و وطن حراست نماییم.



برپایی نمایشگاه هفته دفاع مقدس و رونمایی از پورتال حدیث جنگ

صبح روز شنبه ششم مهر ماه ۱۳۹۸ مقارن با هفته دفاع مقدس، آیین گرامیداشت شهدای گمنام دانشگاه شهید بهشتی در جوار بارگاه امامزاده عزیز (ع) و با حضور دکتر سعداله نصیری قیداری سرپرست دانشگاه، هیئت رئیسه و جمعی از اعضای هیئت علمی، کارکنان



مراسم عصر شعر به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس

روز شنبه ششم مهر ماه ۱۳۹۸ به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس مراسم عصر شعر با حضور «محمد علی بهمنی» و با اجرای «سعید بیابانکی» و همراهی نوازنده نی آقای «روح الله قادری» از گروه «ندای حق» برگزار گردید. این محفل با مداحی و خوانش اشعاری با یاد کرد حماسه دفاع مقدس و شهدا قرین بود. در این مراسم آقایان دکتر نصیری قیداری، دکتر واعظی، دکتر برومند، دکتر حاجی جباری و خاتم دکتر قاسمی (همسر دکتر مجید شهریار) حضور داشتند. خاتم دکتر قاسمی ضمن بیان خاطراتی از همسر دانشمند شهید خود به شعر دوستی ایشان اشاره کرد و دکتر نصیری نیز شعر را نشأت گرفته از الهیات و نظم آن را همانند نظم جهان آفرینش دانست.



مسابقه کتابخوانی: کتاب ارمیا (به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس)؛ کتاب روز خدا به مناسبت ۱۳ آبان (تسخیر لانه جاسوسی)

به منظور گرامیداشت هفته دفاع مقدس و همچنین روز تسخیر لانه جاسوسی مسابقه کتابخوانی برگزار و به برگزیدگان، جوایز ارزشمندی اهدا شد.

گزارش بازدید از موزه صلح

روز دوشنبه ۹۸/۷/۱۵ از موزه صلح تهران بازدید به عمل آمد.

موزه صلح محلی برای برنامه های آموزشی و پژوهشی است که مخاطب آن عموم مردم هستند.

تهران با مسئول هماهنگی شبکه جهانی موزه های صلح در سال ۱۳۸۴ شکل گرفت. این گفتگو و همچنین دیدار از هیروشیما در همان سال تمایل به شکل گیری یک موزه صلح در تهران را تقویت کرد. بنیانگذاران موزه صلح تهران نیز از این تجربیات جهانی الهام گرفتند. این موزه هم اکنون در ساختمان اهدایی شهرداری تهران در پارک



شهر قرار دارد و دارای چند ویژگی است:
 ▲ عضو شبکه بین المللی موزه های صلح می باشد که مقر آن در شهر لاهه هلند است.

▲ اعضای فعال آن قربانیان جنگ و سلاح های شیمیایی، به عنوان نمادهای زنده و پیام آوران صلح می باشند.

▲ با سایر تشکل های مردمی و موزه های صلح در سراسر دنیا در ارتباط می باشند.

▲ می کوشد تا فرهنگ صلح را نه در معنای سیاسی آن بلکه در معنای اجتماعی و فرهنگی آن ترویج نماید.



یکی از نقاط قوت موزه های صلح این است که می توانند از طریق نمایشگاه ها، کارگاه های آموزشی، بزرگداشت ها و دیگر مراسم با عموم مردم ارتباط برقرار و آنها را در برنامه های آگاه سازی دخیل نمایند. همچنین این موزه ها می کوشند پل ارتباطی میان ملت ها برای شناخت بهتر آنان از یکدیگر ایجاد کنند. اندیشه این موزه در ملاقات اعضای انجمن حمایت از قربانیان سلاح های شیمیایی در



پاسداشت نهمین سالگرد شهادت شهید دکتر شهریار و یادواره شهدای هسته ای

روز دوشنبه ۱۱ آذر ماه ۱۳۹۸ مراسم پاسداشت نهمین سالگرد شهادت شهید دکتر مجید شهریار و یادواره دیگر شهدای هسته ای؛ دکتر مسعود علی محمدی، دکتر داریوش رضایی نژاد و مهندس مصطفی احمدی روشن در تالار مولوی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

گزارش اردوی مشهد مقدس

در اردویی دانشجویی با عنايت پروردگار توفيق يافتيم به زيارت بارگاه امام مهربانی، امام رضا (ع). در اين سفر که در بيست و هشتم آبان تا نخستين روز آذر ماه برگزار شد، دانشجويان نه تنها از فضاي معنوی حرم امن عالم آل محمد بهره بردند و برای صرف صبحانه مهمان امام غريب غريب نواز بودند، در برنامه های تفریحی -فرهنگی همچون استفاده از امکانات مجموعه موجهای خروشان و بازدید از غارهای گردشگری مجتمع آرمان نیز استفاده کردند.





حجت الاسلام و المسلمین جوادی آملی در سخنان خود صاحبان جان های پاک نظیر شهید شهریار که ایمان خود را با حقیقت توحید، رسالت، نبوت و ولایت آمیخته و با عمل صالح بدان رفعت بخشیده اند را الهی خواند و شهدا را دارای مراتب و درجاتی دانست که بنا به حوزه اندیشه، فکر، قلب و عمل خود مهمان مرتبه ای از مراتب الهی اند. ایشان ضمن گرامیداشت یاد و نام شهید بهشتی و شهید مطهری از شهید بهشتی به عنوان فخر آفرین انقلاب، نظام و جامعه اسلامی یاد کرد و از ایمان مبتنی بر معرفت از جمله معرفت و حیانی، عرفانی و شهودی، حکمی، کلامی و معرفت ناشی از علم سخن گفت. وی از قول آیت الله جوادی آملی به رفعت مقام دانشگاه نسبت به حوزه در صورت تجدید نوع نگاه نسبت به علم و بنای ایمان بر علوم تجربی اشاره کرد و شهید شهریار و دیگر شهدای هسته ای را صاحبان معرفت ایمانی و اخلاقی دانست و شخصیت اخلاقی و همراهی علم و ایمان را در وجود ایشان گرامی داشت.

این نشست با خیر مقدم دکتر سعد الله نصیری قیداری سرپرست دانشگاه شهید بهشتی و سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی و دکتر محمود رضا آقا میری رئیس دانشکده هسته ای همراه بود. در این مراسم که با اجرای آقای سعید بیابانکی و نی نوازی آقای روح الله قادری همراه بود، علاوه بر تجلیل از خانواده شهدای هسته ای و پخش مستند، خانم فاطمه عبادی نفر نخست مسابقه تلویزیونی عصر جدید با موضوع انرژی صلح آمیز هسته ای به هنرنمایی با شن پرداخت. دکتر نصیری قیداری ضمن خیر مقدم، طی سخنانی این نشست را ارزشمند، سرشار از معنویت و نورانیت و اثر بخش بر جان و دل حاضرین خواند. ایشان در سخنان خویش اظهار داشت که علم مقرون با تقوی ضامن خوشبختی بشر است و شهید شهریار علاوه بر خصال ارزشمند علمی یعنی آموزش، پژوهش و فناوری نماد معنوی علم یعنی اخلاق، تقوی، صداقت، شجاعت و انسانیت نیز بودند.



یاد شهدای هسته ای، تأکید کرد که داستان شهادت شهید شهریار در سال ۱۳۳۹ و با نامه انیشتن به رئیس جمهور وقت آمریکا کلید خورد؛ چرا که تا آن روز اهمیت اتفاق هسته ای آشکار نشده بود و پس از آزمایش نخستین بمب در سال ۱۹۴۵ استکبار دریافت که در صورت عمومیت یافتن مالکیت این ابزار، قدرت معنا نمی یابد و از این رو تصمیم به محدود کردن آن و حذف فیزیکی افراد گرفتند. ایشان همچنین شهدای هسته ای را سند مظلومیت ملت ایران خواند و وطن پرستی، تعهد و مسئولیت پذیری و تسلط بر علم و آمیختگی آن با عمل را از ویژگی های مشترک شهدای هسته ای بر شمرد.

در این مراسم آقای بیابانکی از شهیدان به عنوان میراث معنوی و فرهنگی یاد کرد و یاد آور شد که دکتر شهریار و تمام شهدای هسته ای به نوعی دانش هسته ای را بیمه و آرامش و امنیت کشور را تضمین کردند. ایشان با خوانش اشعاری از جمله شعر زیر یاد و نام شهدا را گرامی داشتند:

در ادامه مراسم مستندی مشتمل بر مصاحبه با دکتر فریدون عباسی استاد دانشکده مهندسی هسته ای و دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی پخش شد که در آن ضمن پرسش درباره شهدای هسته ای، تاریخچه و ضرورت تجهیز به فناوری هسته ای، اطلاعاتی در مورد علت تحریم ایران به مخاطبان ارائه گردید. دکتر آقا میری نیز پس از گرامیداشت نام و

**شهید شهریار علاوه
بر خصال ارزشمند
علمی یعنی آموزش،
پژوهش و فناوری نماد
معنوی علم یعنی اخلاق،
تقوی، صداقت، شجاعت
و انسانیت نیز بودند.**

افتاده در این راه، سپهای زیادی
یعنی ره عشق است و خط‌های زیادی
نبوده به پرواز میندیش کجوتر!

بیرون قفس زنجیره‌های زیادی
این کوه که هر گوشه آن پاره لعلی است
خورده است بدان خون بگ‌های زیادی
درد است که پر پر شده باشند در این باغ
بر شانه تو شانه به سرهای زیادی
از یک سفر دور و دراز آمده انگار

این قاصدک آورده خبرهای زیادی
راهی است پر از شور که می‌مینم از این دور
نی‌های فراوانی و سرهای زیادی
هم در به در می‌دارد و هم خانه خرابی

عشق است و مزین به بهزهای زیادی
بیچاره دل من که در این برزخ تردید
خورده است به اما و اگرهای زیادی
جز عشق بگو کیست که افروخته باشد
در آتش او نیمه و درهای زیادی ---



تشکیل کلاس های تقویت بنیه علمی

پایه در دروس ریاضی ۱، فیزیک ۱، اصول حسابداری ۱، مبانی و برنامه نویسی کامپیوتر تشکیل شده است. کلاس های مهارت آموزی نیز در قالب کلاس های زبان عمومی در روزهای سه شنبه و چهارشنبه تشکیل شد.

کلاس های تقویتی نیمسال اول ۹۸-۹۹ طبق روال گذشته در محل خانه فرهنگ دانشجویی برگزار شد، ضمناً کلاس های تقویتی هدفمند برای دانشجویان کارشناسی ورودی ۹۸ در رشته های فنی مهندسی، علوم انسانی و



آمار کلاسهای تقویتی برگزار شده در پردیس مرکزی
و پردیس فنی مهندسی شهید عباسپور (نیمسال اول ۹۸-۹۹)

مقطع	تعداد کلاس های تقویتی	دانشجویان شرکت کننده در کلاس های تقویتی	تعداد مدرسان
کارشناسی	۴۰	۷۵	۳۶
ارشد	۱۵	۲۰	
جمع	۵۵	۹۵	

نشست اساتید مشاور و ایتارگر با دانشجویان کارشناسی ورودی ۹۸

این نشست با اهداف و موضوعات ذیل در دانشکده ها برگزار شد:

- ۱- آشنایی دانشجویان با اساتید مشاور
- ۲- ایجاد تعامل و برقراری ارتباط جهت انعکاس موارد آموزشی، دانشجویی، اجتماعی
- ۳- تبیین مسائل آموزشی و آشنایی با مقررات آموزشی
- ۴- بررسی علاقمندی، توانایی و همچنین ساختار درسی و آینده شغلی

- ۱- آشنایی دانشجویان با اساتید مشاور
- ۲- ایجاد تعامل و برقراری ارتباط جهت انعکاس موارد آموزشی، دانشجویی، اجتماعی



شیراز

ولادت: ۱۳۴۳/۱۰/۶، کرمان
پذیرش در رشته معماری دانشگاه شهید بهشتی
شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۱۹، شلمچه، عملیات کربلای ۵
آرامگاه: بافت، روستای فتح آباد، گلزار شهدا

زندگی نامه

شهید محمود محسنی تکلو در ششم دی ماه ۱۳۴۳ در روستای فتح آباد از توابع شهرستان بافت کرمان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا گذراند و برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی و متوسطه دبیرستان به شهر بافت عزیمت نمود و دوره متوسطه را در هنرستان شهید کلاتری سپری کرد. سپس در آزمون سراسری دانشگاهها شرکت کرد و در رشته معماری دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد. پس از آغاز جنگ تحمیلی، درس و دانشگاه را رها کرد و عازم جبهه گردید، تا اینکه سرانجام در نوزدهم دی ماه ۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی شلمچه و عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ»^۱ سپاس برای خداست که ما را به این دین (صراط مستقیم) هدایت کرد و اگر نبود اینکه او راهنمای ما شود، ما هرگز راه سعادت را نمی یافتیم.

همه ما برای امتحان به این دنیا آمده ایم. موطن و موقف اصلی ما جهان دیگر است که تا ابد جاودان خواهد بود. خدایا! تو را به یگانگی میستایم و از تو می خواهیم که مرا به راه راست، راه کسانی که به آنها وعده نعمت داده ای، هدایت نمائی. پروردگارا! در این زمان که صدامیان بر اسلام تاختن آغاز نموده اند و روزگار، روزگار جنگ بزرگ علیه جلالانی است که در پهنه گیتی بر هستی محرومین تاختن آغاز نموده اند، از تو می خواهیم که به من توفیق دهی که برای برپائی دین تا پای جان بایستم و برایم چه زیبا خواهد بود که در این حال تو را ملاقات نمایم. خدایا! تو را به حق مقربان درگاهت قسم میدهم که مرگ مرا شهادت در راه خودت قرار بده.

بدانید که تنها راه سعادت پیروی از اوامر و فرامین رهبر انقلاب می باشد. سعی کنید که پیرو و سرباز خوبی برای وی باشید. عزیزان! بدانید که این دنیا بازیچه ای بیش نیست؛ نگذارید که با زرق و برقش شما را فریب دهد. جایگاه اصلی شما جهان ابدی است که زوال ندارد. سعی کنید در اینجا به اندازه کافی برای آنجا توشه فراهم نمائید. در هنگام جوانی، خودتان را عادت بدهید به اینکه خوب بندگی خدا را نمائید و معصیت او را نکنید که فردا دیر است.

۱- (اعراف / ۴۳)

عملیات کربلای ۵

پرتلقات ترین عملیات این جنگ بود و از آن به عنوان آغازی بر پایان جنگ ایران و عراق یاد می شود.

در نتیجه این عملیات، نیروهای نظامی ایران اگر چه از دستیابی به هدف اصلی عملیات، یعنی تسخیر شهر بصره، بازماندند با این حال توانستند حدود ۱۵۰ کیلومتر از منطقه اشغال شده شلمچه را آزاد و قسمت هایی از جنوب عراق را نیز به تصرف خود در آورند. در انتهای عملیات کربلای ۵ خطوط پدافندی ایران در نزدیکی پتروشیمی عراق ایجاد گردید. از این عملیات به عنوان عملیات محاصره بصره نیز نام می برند.

عملیات کربلای ۵ عملیات نظامی تهاجمی از سوی نیروهای مسلح ایران، علیه نیروهای ارتش عراق، در جریان جنگ ایران و عراق می باشد. این عملیات ششمین عملیات نیروهای نظامی ایران برای فتح بصره محسوب می شود. نیروهای ایرانی عملیات را در محور شلمچه به منطقه ای موسوم به کانال ماهی، به صورت گسترده در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۶۵ با فرماندهی سپاه پاسداران آغاز نمودند. عملیات کربلای ۵ با فاصله ۱۵ روز پس از عملیات کربلای ۴ انجام شد. این عملیات پرهزینه ترین و

شهرهای نیمه غربی ایران از جمله تهران، اصفهان، تبریز و قم را با بمب‌های معمولی بمباران نمودند. بمباران شهرهای ایران تلفاتی در حدود ۳,۰۰۰ غیرنظامی در پی داشت. (از جمله این تلفات کشته شدن ۳۰ دانش‌آموز در حمله هوایی به مدرسه زینبیه در میانه استان آذربایجان شرقی می‌باشد) ایران نیز برای مقابله، با موشک‌های دوربرد، شهرهای مرکزی عراق را مورد هدف قرار داد که این حملات جان ۳۰۰ غیرنظامی عراقی را گرفت.

در روز ۲ بهمن ایرانی‌ها موج جدیدی از حملات خود را آغاز نمودند، که خطوط چهارم دفاعی عراقی را اشغال کرده و توانستند تا ۱۲ کیلومتری بصره پیشروی کنند، به‌طوری‌که ساختمان‌های شرق بصره از خطوط مقدم ایران، قابل رؤیت بودند. تلویزیون دولتی ایران، صحنه‌هایی از این پیشروی و دورنمای شهر بصره را از خطوط ایرانی به نمایش گذاشت. با این حال ایرانی‌ها نتوانستند بیش از این پیشروی کنند. توپخانه و موشک‌های میان‌برد ایرانی خسارات سنگینی را به شهر بصره وارد می‌آورد. نیروهای ارتش عراق، که خود را در اطراف شهر بصره می‌دیدند، مجبور شدند بسیاری از شهروندان عراقی را به قسمت‌های شمالی عراق تخلیه کنند.

شرایط برای عراقی‌ها به قدری وخیم شده بود، که صدام حسین با حضور در بین نیروهایش سرلشکر طالع خلیل رحیم الدوری از لشکر سوم را تنزیل درجه داد و از سمت خود برکنار کرد. او همچنین چندین نفر از درجه‌داران رده پایین ارتش عراق را به دلیل بازده نظامی پایین، توسط جوخه‌های اعدام تیرباران نمود. او سپهبد ضیاءالدین جمال، فرمانده سپاه پنجم در شمال عراق را به فرماندهی لشکر سوم منصوب کرد. عراقی‌ها شروع به سربازگیری مجدد کردند و حتی سربازانی با سن ۱۵ سال را به استخدام ارتش درآوردند.

در شب ۱۹ دی‌ماه ۱۳۶۵ عملیات کربلای ۵ توسط نیروهای سپاه از جنوب منطقه‌ای بنام؛ دریاچه پرورش ماهی آغاز شد. همزمان بخش دیگری از نیروهای سپاه پاسداران نیز توسط قایق‌های تندرو، در غرب این دریاچه پیاده شدند. در مراحل ابتدایی این عملیات، ایرانی‌ها توانستند افزایش توان نظامی خود را به نحوی که توانایی باز کردن یک جبهه کامل را داشته‌باشند، به نمایش بگذارند. نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق به مقابله پرداختند که این نبرد، تلفات سنگینی برای هر دو طرف به بار آورد. ایرانی‌ها دو روز اول عملیات را صرف غلبه بر دو ستون دفاعی ارتش عراق نمودند. آن‌ها با بهره‌گیری از تانک‌های خودی و نیز با استفاده از تانک‌های غنیمت گرفته‌شده، شروع به توپ باران بصره و سایر استحکامات عراقی‌ها کردند.

در روز پنجم عملیات، گارد مرزی ارتش عراق، ارتباط خود را با یک سوم سنگربندی‌هایش از دست داد. سرانجام در روز هشتم عراقی‌ها کانال جاسم را تخلیه کردند. نیروی هوایی عراق که در آن زمان برتری هوایی را از آن خود کرده بود، به حمایت از نیروهای خود وارد عمل شد. با این حال، موشک‌های زمین به هوای ساخت سوئد، بنام آربی اس ۷۰، که ایرانی‌ها در آن زمان به‌تازگی و مخفیانه تهیه کرده بودند، صدمات زیادی را به جنگنده‌های نیروی هوایی عراق وارد نمود. در عملیات کربلای ۵ نیروهای مسلح ایران توانستند در حدود ۵۰ تا ۶۰ فروند جت جنگنده عراقی را ساقط کنند، که این رقم، معادل ۱۰ درصد از کل هواپیماهای نیروی هوایی عراق در آن زمان را شامل می‌شد. با این روند، نیروی هوایی تضعیف‌شده ایران توانست مدت کوتاهی برتری هوایی را از آن خود کند. عراقی‌ها همچنین برای مقابله، شروع به بمباران خطوط مواصلاتی ایران، با سلاح‌های شیمیایی کردند. برای افزایش فشار عراق بسیاری از

عراقی را نیز ساقط نموده و ۲۵۰ توپ ضد هوایی و ۴۰۰ قطعه تجهیزات زرهی عراق را از بین برده‌اند. بر اساس اطلاعاتی ایرانی‌ها ۲۰,۰۰۰ نظامی عراقی نیز در این عملیات کشته شدند. در مقابل عراق اعلام نمود ۶۵,۰۰۰ نظامی ایرانی در جریان این درگیری‌ها جان خود را از دست داده‌اند.

بر اساس آماری دیگر در این عملیات ۷ هزار و ۶۵۱ ایرانی (از جمله حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین و اسماعیل دقایقی، فرمانده لشکر ۹ بدر) کشته، ۳ هزار و ۵۲۲ نفر مفقودالثر و ۵۳ هزار و ۲۹۹ نفر زخمی شدند. این در حالیست که تعداد کشته شدگان جنگ در سال ۱۳۶۵ بر اساس آمار بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ ۴۱ هزار و ۵۰ نفر است، که عمده آنها در نتیجه عملیات کربلای ۴ و ۵ می‌باشد.

فرهنگ واژگان

حاجی گلای = پیرمردی که وظیفه گلاب پاشیدن به بچه‌ها را در منطقه به عهده داشت
اف ۱۴ = نوعی مگس و پشه در منطقه
ایستگاه بدنسازی = ایستگاه صلواتی
اوشین بلو = برنج سفید بدون مخلفات
ایران تایر = پوتینهای بسیجی
بوی چلوکباب = بوی شب عملیات

Bryan R. Gibson (2010). Covert Relationship: American Foreign Policy, Intelligence, and the Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸. ABC-CLIO. pp. ۱۸۰
https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/media/csis/pubs/9005lessonsiraniraqii-chap08.pdf

عملیات کربلای ۵
https://fa.wikipedia.org/wiki/کربلای_۵
<http://www.kaleme.com/۱۳۹۳/۱۰/۲۰/klm-۲۰۶۹۵۸/?theme=fast>

«واکنش تازه به پاسخ»
<http://www.magiran.com>
فرمانده، ابهاماتی تازه درباره آمارهای عملیات کربلای ۴ و ۵» (۱۴/۱/۲۰۱۹)

در هفته چهارم عملیات کربلای ۵، ایرانی‌ها در کنار دریاچه‌های پرورش ماهی، جزیره‌های ام‌الطویل، رودخانه جاسم و کانال آبیاری، مستقر شده بودند. با این حال توان نظامی ایران مصروف شده بود و نبرد در این زمان به حالت واماندگی رسیده بود. عراقی‌ها توپخانه خود را روی خطوط تأمین ایرانی‌ها متمرکز کرده بودند و به‌طور مؤثری این خطوط را توسط جنگ‌افزارهای عادی و شیمیایی بمباران می‌نمودند و ایرانی‌ها درون سنگرهای کنده‌شده، پناه گرفتند.

در بیستمین روز از شروع عملیات کربلای ۵، گارد ریاست جمهوری عراق وارد میدان نبرد شد. آن‌ها با استفاده از موجی از تجهیزات نظامی و تسلیحات سنگین، شامل؛ تانک، توپخانه و بالگردهای توپ‌دار، به خطوط ایرانی‌ها یورش بردند. لشکر سوم ارتش عراق نیز از غرب دریاچه‌های پرورش ماهی، حمله خود را آغاز نمود، سپس به سمت جنوب و رودخانه جاسم متمرکز شد. این حملات، به همراه هجوم سنگین تجهیزات زرهی عراق، در روز سی‌ام از شروع عملیات، خطوط ایرانی‌ها را در هم شکست.

از جمله کشته‌شدگان ایرانی در این نبرد، فرمانده نیر و های داوطلب ایرانی؛ حسین خرازی بود. ایرانی‌ها تا آستانه شکست خطوط عراقی‌ها و تا دروازه‌های بصره پیش رفتند، اما در نهایت مقاومت عراقی‌ها توانست تاب حملات ایران را بیاورد و آن‌ها توانستند شهر بصره را حفظ کنند. با وجود تلفات بسیار سنگین عراقی‌ها و کشته شدن تعداد زیادی از نیروهای داوطلب ایران، آن‌ها تنها توانستند به اندازه‌ای به بصره نزدیک شوند، تا با توپخانه سنگین آن را مورد هدف قرار دهند. فرماندهی عالی ایرانی‌ها اعلام نمود که آن‌ها ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را در شلمچه به تصرف خود درآورده‌اند و توانسته‌اند ۸۱ تیپ و گردان عراقی، ۷۰۰ تانک و ۱,۵۰۰ خودروی نظامی ارتش عراق را منهدم کنند. آن‌ها همچنین اعلام کردند که ۸۰ فروند هواپیمای

هنوز قصه بجز آنکه و دلش با تو
به سر زلفت و به پایا رسیدم



@shahed.sbu

sbu.shahed@gmail.com